

غیرت و کارکردهای آن در آموزه‌های دینی

فیض الله اکبری دستک^۱

دل ارا نعمتی پیرعلی^۲

رمضانعلی رودمقدس^۳

چکیده

زمینه و هدف: یکی از کمالات والای انسانی که اسباب آن را خدای متعال در وجود آدمی تعبیه کرده «غیرت» است. غیرت از خودپرستی ناشی نمی‌شود بلکه احساس خاصی است که خداوند برای حمایت از حریم زندگی خانوادگی ایجاد کرده است. در مرد، تمایل به عفاف و پاک‌ی زن وجود دارد، همچنان که در خود زن نیز تمایل خاصی به عفاف وجود دارد. حسی که در مرد نسبت به هم‌نوعان وجود دارد غیرت نامیده می‌شود. حسادت و غیرت دو صفت کاملاً متفاوت‌اند. ریشه حسادت، خودخواهی و از غرایز و احساسات شخصی است اما غیرت یک حس اجتماعی است و فایده و هدفش متوجه دیگران است. غیرت در آموزه‌های ناب اسلامی از چنان اهمیت و ظرفیتی برخوردار است که همواره به‌عنوان شاخصه بارز اهل ایمان و سرمایه انسانی معرفی شده است. وجود غیرت در جامعه انسانی تا آنجا ضروری و حیاتی است که شارع مقدس اسلام در تشریح احکام نیز به آن عنایت داشته است. پژوهش حاضر قصد دارد به بررسی مقوله غیرت و کارکردهای آن در آموزه‌های دینی که در تعیین سرنوشت دنیا و آخرت آدمی تأثیر به‌سزایی دارد، بپردازد.

روش تحقیق: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و برای گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: غیرت شامل مواردی همچون غیرت انسانی، غیرت دینی و غیرت ناموسی است و کارکردهای گوناگونی دارد که می‌توان به کارکردهای اخلاقی غیرت (عزت‌نفس، ترویج مروت و جوانمردی) و کارکردهای اجتماعی غیرت (حفظ خانواده، ترویج عفاف و جلوگیری از بی‌بندوباری) و نیز کارکردهای سیاسی غیرت (حفظ ارزش‌های انقلاب، ترویج فرهنگ مبارزه با استکبار، ترویج فرهنگ ظلم‌ستیزی و یاری مظلوم) اشاره نمود.

واژه‌های کلیدی: غیرت، عفت، محرمات، سلامت، آموزه‌های دینی.

۱. استادیار دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج.

۲. دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج.

۳. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج.

۱- مقدمه

بررسی متون مقدس دینی، به عنوان مبنای اعتقادات مسلمانان از نظر گاه های جدید و با دیدی موشکافانه، می تواند ریشه بسیاری از اندیشه های رایج در میان دینداران را آشکار سازد. یکی از مسائلی که به خاطر آن باید متون روایی را بازخوانی و واکاوی کرد مسئله غیرت است.

«غیرت» یکی از کمالات انسانی است که خداوند متعال، اسباب آن را در وجود آدمی تعبیه کرده است. غیرت ورزی در حد عالی، لازمه انسانیت و مخصوصاً ایمان و پرهیزکاری است. امام علی می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُؤْمِنِ فَلْيَغِرْ، مَنْ لَا يَغَارُ فَإِنَّهُ مَنكُوسُ الْقَلْبِ» (مجلسی، ۱۳۸۹: ۱۱۵/۷۹) یعنی «خداوند برای مؤمن، غیرت می ورزد، پس او نیز باید غیرت آورد. هر کس غیرت نوزد، قلبش وارونه است». وجود غیرت در جامعه انسانی تا آنجا ضروری و حیاتی است که شارع مقدس اسلام در تشریح احکام نیز به آن عنایت داشته است. رسول خدا ﷺ فرمود: «أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْحَرَامَ وَ حَدَّ الْحُدُودَ وَ مَا أَحَدٌ أَعْيَرَ مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ غَيْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ» (مفید، ۱۳۸۳: ۴۲۷) «آگاه باشید که خداوند، محرمات را حرام و حدود را وضع کرد و هیچ کس غیورتر از خدا نیست که از روی غیرت، زشتی ها را حرام کرده است». بر همین اساس، خدا به هر غیرتمندی، نظر لطف و مرحمت دارد. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ» (کلینی، ۱۴۱۰: ق: ۵۳۵) «خداوند، غیور است و هر غیرتمندی را دوست دارد». از آنچه گذشت، به اهمیت و ضرورت غیرت پی برده می شود. ذکر این نکته نیز ضروری است که انسان با شنیدن واژه غیرت، ناموس و حریم خانواده در ذهنش تداعی می شود درحالی که مرز غیرت از این حد فراتر است و انواع و اقسام دیگری هم دارد که اهمیت آنها نیز از غیرت ناموسی کمتر نیست.

غیرت به عنوان یک خصوصیت انسانی، عبارت از حساسیت و مراقبت شدید نسبت به ارزش های مادی و معنوی با انگیزه های ایمانی است. طبعاً غیرت به عنوان خصلتی مردانه یا زنانه در نظر گرفته نشده، بلکه به عنوان امری فطری در وجود انسان اعم از زن و مرد نهاده شده است که در آموزه های دینی، کارکردهای متفاوتی دارد؛ بنابراین لازم است با توجه به ابعاد

مختلف غیرت و نقش آن در رشد و تعالی انسان، این موضوع در زمینه‌ها و ابعاد مختلفی بررسی شود و افزون بر آن کارکردهایش تبیین شود که هدف مقاله حاضر است. غیرت به معنای دیگرزدایی از حریم حرمت‌ها، یکی از اصطلاحات قرآنی و اسلامی است. بی‌گمان شعار «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلُحُوا»: بگویند غیر از خدا، خدایی نیست تا رستگار شوید» نشان می‌دهد که خداوند بسیار غیور است و کسی را به حریم الوهیت خویش راه نمی‌دهد و مشرک، با عقوبت شدیدی مواجه می‌شود. در مفاهیم اسلامی، غیرت حسی درونی دانسته شده که برای محافظت از حریم خانواده در وجود مرد نهاده شده است. مرد با همین صفت غیرت، ناموس خود را از دسترس لذت‌جویی و نگاه آلوده دیگران دور می‌کند و از همسر خود محافظت می‌نماید. برخلاف تصور عموم مردم، غیرت انواع و اقسام مختلفی دارد نظیر غیرت ملی، غیرت دینی، غیرت انسانی، غیرت بر محارم و... در این پژوهش، به واکاوی مفهوم غیرت، اهمیت و جایگاه آن، دیدگاه‌های موجود در مورد غیرت، کارکردهای غیرت و آفات ترک غیرت، بر اساس فرهنگ لغات، آیات و روایات مربوط در این زمینه، پرداخته شده است.

۲- مفهوم غیرت

غیرت یکی از حالات نفس انسانی است. غیور کسی است که نسبت به هرگونه تعرض دیگران (اغیار) به حریم‌های شخصی و انحصاری خود، به شدت واکنش نشان می‌دهد و برای حفظ و نگهداری حریم خصوصی خویش، تلاش و فداکاری می‌کند.

«طریحی» در مجمع البحرین غیرت را تنفر و ناپسند داشتن کسی از شرکت دیگران در امری دانسته است که سخت آن را دوست دارد و موردعلاقه‌اش است (طریحی، ۱۳۸۵: ۴۳۲).

«شرتونی» در اقرب الموارد، غیرت مرد بر زن خود و همچنین غیرت زن بر شوهر خود را از مصادیق حمیت داشتن نسبت به وی و ناپسند شمردن شرکت دیگری در حقی دانسته است (تمیمی آمدی، ۱۳۹۲ق: ۸۲۱/۳). صاحب قاموس اللغة نیز غیرت را از جمله احساسات بشری دانسته است که در هنگام شک در امانتداری زن، یا هنگام غضب و یا به جهت اهتمام و توجه

خاص نسبت به امری ظاهر می‌شود. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت که تعلق خاطر انسان به امور اختصاصی، موجب نوعی تنفر و انزجار نسبت به مشارکت دیگری می‌شود و شخص بر خود لازم می‌داند تا به حفاظت و دفاع از آن‌ها اقدام کند و اجازه هرگونه مشارکت را از دیگران سلب نماید. پس می‌توان گفت که غیرت به معنای نفرت از شرکت دیگران در امور اختصاصی، به‌ویژه خواستنی‌های خصوصی است و غیرتمند کسی است که می‌کوشد تا از آنچه حفظش از دیگری لازم است، محافظت و دفاع کند. در فرهنگ اخلاق انسانی، این اهتمام‌ورزی و حساسیت فرد نسبت به آن چیزی که متعلق غیرتمندی باشد، از فضائل اخلاقی شمرده می‌شود. چیزی که مورد غیرت واقع می‌شود به اندازه‌ای برای صاحبان غیرت ارزشمند و مهم است که حاضرند برای حفظ و نگهداری آن، هر نوع ایثار و فداکاری از خود نشان دهند. البته این چیزها می‌تواند امور مادی مانند مال و ثروت باشد یا امور معنوی و اخلاقی و ناموسی یا مقدسات دینی. در علم اخلاق، غیرت را نوعی حمیت معرفی کرده‌اند و آن را تلاش برای نگهداری چیزهایی دانسته‌اند که حفظش ضروری است. علمای اخلاق، خاستگاه این صفت ارزشمند را شجاعت، بزرگ‌منشی و قوت نفس انسان دانسته و آن را یکی از ملکات نفسانی انسان شمرده‌اند. امیر مؤمنان امام علی علیه السلام غیرت را میوه شجاعت معرفی فرموده است: «ثَمَرَةُ الشَّجَاعَةِ الْغَيْرَةُ» «غیرت میوه شجاعت است» (همان: ۸۲۳).

ملا احمد نراقی در تعریف غیرت چنین آورده است: «غیرت و حمیت، یعنی تلاش در نگهداری آنچه حفظش ضروری است. این صفت در قالب مطلوبش از شجاعت، بزرگ‌منشی و قوت نفس انسان سرچشمه می‌گیرد و یکی از ملکه‌های شریفه نفسانی است» (نراقی، ۱۳۸۷: ۱۶۴). بر این اساس، اصل غیرت به‌دوراز افراطها و تفریطها و کجرویها، از جمله صفاتی است که موجب مباهات بشر است.

«غیرت» در نگاه دین، ارزشمند و پسندیده است و بالاترین و شریف‌ترین مرحله غیرت، از آن پروردگار عالمیان است و بندگان او نیز هر یک به‌اندازه برخورداری از این ارزش اخلاقی و انسانی به او نزدیک می‌شوند. از چشم‌انداز عالمان دین، «غیرت» حساسیت مثبت

و احساس مسئولیت در برابر آنچه موردعلاقه و عشق آدمی است و نه تنها ناپسند نیست بلکه نوعی تکلیف و وظیفه نیز به‌شمار می‌رود. «نراقی» می‌نویسد: «دانستی که حمیت و غیرت آن است که آدمی نگاهبانی کند دین خود و اولاد و اموال خود را و از برای محافظت و نگاهبانی هر یک طریق‌های است که صاحب غیرت و حمیت از آن تجاوز نمی‌کند ... و بی‌غیرتی، کوتاهی و اهمال کردن در محافظت آنچه نگاهبانی آن لازم است از دین و عرض و اولاد و اموال» (نراقی، ۱۳۸۷: ۱۵۲).

غیرت در لغت و اصطلاح اخلاق، عبارت است از حالت دگرگونی نفسانی یک مرد از اینکه ببیند یا متوجه شود که نوامیس خانوادگی او مثل مادر، خواهر، همسر و دختر او یا نوامیس دیگران در معرض بهره‌وری حرام قرار گرفته است. این دگرگونی نفسانی یا جنبه پیشگیری دارد یا جنبه رفعی، و نتیجه آن اقدامات پیشگیرانه یا رفعی است مثل جلوگیری از نشست و برخاست و رفت آمد با افراد نامحرم خصوصاً افراد بی تقوا و لایبالی در روایات، غیرت نسبت به همسر، بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. بعضی تعصب دفاع از دین و مال و تربیت اولاد را نیز از موارد و انواع غیرت شمرده‌اند، درحالی که در اصطلاح و کاربرد مردم و دین، غیرت در مورد تعصب و دفاع از ناموس به‌کار رفته است. علمای اخلاق نیز غیرت را از ملکات شریف و فضیلتی می‌دانند که آدمی دین، عرض و اولاد خود را به سبب آن حفظ می‌کند. توصیف مفسران از غیرت به‌عنوان یکی از اخلاق حمیده و ملکات فاضله است که عبارت است از دگرگونی حالت انسان از حالت عادی و اعتدال، برای دفاع و انتقام از کسی که به یکی از مقدساتش اعم از دین، ناموس و یا جاه و امثال آن، تجاوز کرده است.

در فرهنگ لغت، ذیل معنای غیرت آمده است: «واژه غیرت از تغییر و تغیر گرفته شده است و یک نوع حالت، دگرگونی و برانگیختگی درونی به همراه حس دفاع در شخص نسبت به آنچه دوست می‌دارد اعم از عزت، آبرو، شرف، دین، ناموس، کشور ... است» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۴۱۲)؛ و یا این‌طور گفته شده است که «غیرت، یک نوع نفرت طبع، ناشی از بخل‌ورزی در مشارکت داشتن دیگران در چیزی است که محبوب و موردعلاقه شدید انسان است» و

غیرتمند نیز به کسی گفته می‌شود که در حفظ ناموس، آبرو و شرف خود بکوشد (همان: ۴۱۳). در بعضی فرهنگ‌ها لغت غیرت به رشک، حسد، حمیت، تعصب و ناموس پرستی تعبیر شده است (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۲). غیرت در اصطلاح روان‌شناسی یعنی: اظهار نگرانی از اینکه مال و ملک شخصی، به تصرف دیگران درآید. برخی نیز آن را یک نوع حس درونی می‌دانند که از احساسات و عواطف سرچشمه می‌گیرد و تغییرات بدنی را به دنبال دارد و هیجان‌ها و عواطف را برمی‌انگیزاند (همان).

غیرت، صفتی درونی و باطنی است که بروز و ظهور آن به شکل‌های مختلف است؛ ولی باید توجه داشت که غیرتمندی در انسان، مستلزم اموری چون نفرت از متجاوز به حریم خصوصی و ارزشی است. همچنین باید گفت که غیرت از لوازم محبت انسان به چیزی است، زیرا هرکس که چیزی را دوست می‌دارد، نسبت محبوب خود، غیور است. استاد مطهری می‌نویسد: «غیرتمند کسی است که نگاهدار عصمت و آبرو و شرف و عزت است و از قبول اهانت بر عرض خود ابا دارد» (مطهری، ۱۳۸۴: ۴۱۴).

از سوی دیگر غیرتی که مورد سفارش قرار گرفته، برای مرد است اما غیرت زن مذموم است؛ زیرا بیشتر غیرت زن حسادت در مورد حلال است و آن وجود همسر دیگری برای شوهر است؛ و حال آنکه غیرت در مورد بهره‌بری از راه حرام است نه از راه حلال، ولی زن برای حرام بودن غیرت نشان نمی‌دهد بلکه از وجود زن دیگر چه حلال و چه حرام برای شوهر ناراحت است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرموده‌اند «غیرت جز برای مردان نیست اما غیرت از ناحیه زن‌ها، حسادت است و به همین دلیل (که غیرت برای مرد است نه زن) خداوند برای زن‌ها جز شوهرانشان را حرام کرده و برای مردان چهار همسر را حلال کرده است» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۱۰۷). زنان مؤمن از خود غیرت نشان نمی‌دهند بلکه زن‌های کافر از خود غیرت نشان می‌دهند، از این رو امام محمدباقر علیه السلام فرموده‌اند: «إِنَّمَا تَعَارُ الْمُنْكَرَاتُ مِنْهُنَّ فَأَمَّا الْمُؤْمِنَاتُ فَلَا» (صدوق، ۱۴۰۴ق: ۴۴۴)؛ همچنین از ایشان روایت شده است که: «غیرت زنان حسد است و حسد اصل کفر است زیرا زن‌ها هنگامی که غیرت بورزند خشمگین می‌شوند

و هنگامی که خشمگین شدند کافر می‌شوند مگر آنان که زن‌های مسلم‌ه باشند» (حر عاملی، ۱۴۱۰: ۱۱۰).

۳- جایگاه و نقش غیرت

چنانچه بیان شد، یکی از حالات نفس آدمی، دفاع از حریم ارزش‌ها و جلوگیری از هرگونه تعرض نسبت به آن است. از این حالت نفس که فضیلتی اخلاقی نیز شمرده می‌شود، به عنوان غیرت یاد شده است. هر انسانی اهل غیرت است مگر آنکه از حالت فطری و طبیعی خود، خارج شده باشد. غیرت در مردان، نماد مردانگی و آزادگی است و تقویت آن به‌ویژه در حوزه مسائل خانوادگی و ناموسی، امری بایسته و شایسته است و تضعیف آن، موجب می‌شود که مرد به عنوان ستون استوار و قوام بخش خانواده مطرح نباشد؛ زیرا بی‌غیرتی مرد، توان دفاع از حریم خانه و خانواده و ارزش‌ها را از او می‌گیرد. در آموزه‌های اسلامی بر نقش غیرت تأکید ویژه‌ای شده است که شامل موارد زیر می‌شود:

۳-۱- محبوبیت غیرتمند

از آنجایی که همه صفات الهی در انسان به ودیعت گذاشته شده و در فطرت انسانی سرشته شده است، از اینرو در روایات اسلامی، کسانی که غیرت ندارند به عنوان افرادی فاقد سلامت قلبی و انسان‌های خارج‌شده از حالت سلامت فطری و طبیعی معرفی شده‌اند. در روایتی آمده است: «إِذَا لَمْ يَغْرِ الرَّجُلُ فَهُوَ مَنكُوسُ الْقَلْبِ» (کلینی، ۱۴۱۰: ۲۳۶) «اگر انسانی غیرت نداشته باشد، قلبش وارونه است»؛ پس غیرتمند نسبت به دخالت‌های نابجا و ناروای دیگران در مورد آن چیزی که دوست دارد واکنش نشان می‌دهد و هرچه متعلق غیرت، ارزشمندتر و محبوب‌تر باشد، واکنش او نیز شدیدتر خواهد بود و اگر کسی واکنش نداشته باشد، بیانگر آن است که فطرت سالم و طبیعی خود را از دست داده و به بیماری روحی و روانی (قلبی) دچار شده است که نمی‌تواند احساسات و عواطف واقعی خود را نسبت به محبوب و ارزش‌های خویش نشان دهد. علامه مجلسی درباره این بیماری گفته است: «منظور از قلب وارونه، این است که قلبش همانند ظرف وارونه‌ای است که چیزی در آن جای نمی‌گیرد، قلب افراد فاقد غیرت نیز،

تهی از صفات و اخلاق برجسته انسانی است» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۲ق: ج ۳، ۸۲۳).
 غیرتمند همانگونه که نسبت به حریم‌های عمومی و ارزش‌های دینی و اسلامی حساس است و به جنگ دشمنان اسلام و میهن می‌رود، در دفاع از حریم خصوصی و جان و مال و عرض خویش نیز حساس است و به دفاع از حریم خانه و خانواده می‌پردازد. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَمْتَقُتُ الرَّجُلَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ فَلَا يَقَاتِلُ» «خدای متعال، بی‌گمان نفرت دارد از مردی که به‌زور وارد خانه‌اش شوند و او نجنگد» (متقی هندی، ۱۳۸۸: ۲۳۶).

تجلی غیرت مردان را باید در حمایت از عفت و ناموس خویش جست‌وجو کرد. اگر کسی بخواهد به‌عنوان انسان عقیف شناخته شود، لازم است که آن را در غیرت خویش به نمایش گذارد. امام علی ﷺ معیار سنجش عفت هر مردی را میزان غیرت او نسبت به ارزش‌ها و حریم‌های خویش دانسته و فرموده است: «عِفَّتُهُ (الرَّجُلِ) عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ» (نهج البلاغه: ۴۷۷) «پاکدامنی مرد به اندازه غیرت اوست». با نگاهی به آیات و روایات، می‌توان دریافت که غیرت به سبب آنکه از صفات الهی و انسانی و از فضایل برجسته اخلاقی است، مورد تشویق و ترغیب قرار گرفته و به‌عنوان صفت مؤمنان و شرط تحقق ایمان معرفی شده است.

شیخ حر عاملی می‌نویسد که در عصر خلافت حضرت علی، به آن حضرت گزارش دادند که در مسیر راه‌ها بعضی از مردان و زنان، رعایت حریم عفت را نکرده‌اند. آن حضرت بسیار ناراحت شد و مردم کوفه را جمع کرد و در ضمن سخنانش فرمود: به من خبر رسیده که زنان شما در مسیر راه‌ها به مردان تنه می‌زنند؛ آیا حیا نمی‌کنید؟ خداوند لعنت کند کسی را که غیرت نمی‌ورزد! (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۴۷۱).

۴- دیدگاه‌های موجود پیرامون غیرت

در اهمیت غیرت، همین بس که قرآن بدین‌گونه انتقاد می‌کند:

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ

لَذُنُكَ نَصِيرًا» (نساء، ۷۵) «و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما».

قرآن به ما دستور داده است که هر جا مظلومی، آهی کشید شما باید به مقدار توان تلاش کنید و بی‌تفاوتی در چنین موقعیتی، بی‌غیرتی است. علامه طباطبایی این آیه را مرتبط با غیرت تفسیر نموده است. از نظر ایشان، تعصب و غیرت هم خوب است و هم بد؛ تعصب راجع به حق، حق است و نسبت به باطل، باطل است.

«... وَ لَوْ لَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا لَهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَ بِيَعُ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيُنْصَرْنَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج، ۴) «... و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، همانا صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مسجدهایی که در آن‌ها بسیار نام خدا ذکر می‌شود به شدت ویران می‌شدند؛ و قطعاً خدا به کسانی که [دین] او را یاری می‌دهند یاری می‌رساند؛ مسلماً خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است».

پس اگر مردم، غیرت نداشته باشند، محل عبادت مسیحی‌ها هم از بین می‌رفت و محل عبادت یهودی‌ها هم از بین می‌رفت. از این آیه معلوم می‌شود که محل عبادت، مقدس است گرچه محل عبادت مسلمانان نباشد.

در همین راستا حضرت علی فرمود: «دَلِيلُ غَيْرَةِ الرَّجُلِ عِفَّتُهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۲ق: ۲۵۶) یعنی «نشانه غیرت مرد، عفت اوست»؛ «عفت» به معنای ترک حرام‌ها است، و مراد این است که: هر که را عفت باشد این نشان از غیرت اوست، و هر که را عفت نباشد نشان از بی‌غیرتی اوست. حضرت علی علیه السلام فرمود: «غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيمَانٌ» (همان: ۸۹) «غیرت داشتن مرد، ایمان است».

در بیانی دیگر امام علی علیه السلام فرموده است: «غَيْرَةُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ أَنْفَتِهِ» (همان: ۲۶۰). یعنی «غیرت مرد بر اندازه آنفت اوست». «آنفت» به معنی ننگ داشتن است از چیزی و مراد از

«غیرت» در اینجا، سعی کردن و اهتمام داشتن در زایل کردن نقص و عیب از خود است. آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «هُمُومُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ وَ غَيْرَتُهُ عَلَى قَدْرِ حَمِيَّتِهِ» (همان) «اندوه‌های مرد بر اندازه همت اوست و غیرت او بر اندازه حمیت اوست». پیامبر اکرم ﷺ در این باره فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَغَارُ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغَارُ وَ غَيْرَةُ اللَّهِ أَنْ يَأْتِيَ الْمُؤْمِنَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ» (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۰۸)؛ یعنی «خداوند غیرت می‌ورزد و مؤمن غیرت می‌ورزد، غیرت خدا در این است که مبادا مؤمن مرتکب کاری شود که خدا حرام کرده است». همچنین رسول خدا درباره اهمیت و جایگاه غیرت چنین فرمود: «غیرت از صفات و شروط ایمان است»؛ آن حضرت در بیانی دیگر چنین فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يُغَارُ لِلْمُسْلِمِ، عَلَى الْمُسْلِمِ فَلْيُغْرَ» یعنی «خداوند برای مسلمان غیرت می‌ورزد، مسلم نیز باید غیرت ورزد» (نهج الفصاحه: ۳۱۸). حضرت علی علیه السلام فرمود: «به درستی که خداوند بندگان باغیرت خویش را دوست دارد» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۲ق: ۳۱۸).

در باب اهمیت و منزلت غیرت، صاحب تفسیر المیزان چنین آمده است: «غیرت عبارت است از دگرگونی انسان از حالت عادی و اعتدال؛ به‌طوریکه انسان را برای دفاع و انتقام از کسی که به یکی از مقدساتش - اعم از دین، ناموس و یا جاه و امثال آن - تجاوز کرده است، برمی‌انگیزد. این صفت غریزی، صفتی است که هیچ انسانی به‌طور کلی از آن بی‌بهره نیست. پس غیرت یکی از فطریات آدمی است و اسلام هم دینی است که بر اساس فطرت تشریح شده و امور فطری را تعدیل می‌کند و آن امور فطری که در حیات بشر لازم و ضروری هستند را، معتبر و واجب می‌سازد و آنچه غیرضروری است، حذف نموده و از اعتبار می‌اندازد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۸۰).

آن عالم وارسته در جای دیگر می‌نویسد: «اولاً، اسلام مسئله غیرت و تعصب را باطل معرفی نکرده، بلکه اصل آن را حفظ نموده است؛ زیرا غیرت ریشه در فطرت انسان دارد و اسلام هم دین فطرت است؛ ولی در جزئیات آن، دخالت کرده و فرموده است: آنقدر از غیرت و تعصب که مطابق با فطرت است، حق است، اما شاخ و برگ‌گی که اقوام به آن داده‌اند، باطل است.

ثانیاً، همین ودیعه فطری یعنی غیرت را از هر سوئی به سوی خدای متعال برگردانیده و سپس موارد بسیاری را در یک قالب توحیدی، ریخته است. به عبارت واضح‌تر، هر جا که تعصب ورزیدن، خداپسندانه باشد، باید تعصب ورزید و هر جا که موجب خشنودی خدا نباشد، نباید تعصب و غیرت ورزید (همان: ۶۷۴).

شهید مطهری نیز درباره غیرت چنین می‌نویسد: «عده‌ای بر این باورند که غیرت همان حسادت است که تغییر اسم داده است و انسان چون حس حسادت دارد، حمله و اهانت و دشنام و ناسزاگویی را به آنچه عشق می‌ورزد و علاقه دارد بر نمی‌تابد و در برابر یورش‌گران و ناسزاگویان، به سختی قد می‌افرازد و غیرت می‌ورزد. ایشان در ادامه می‌نویسد: حسادت و غیرت دو صفت کاملاً متفاوت‌اند و ریشه‌ای جداگانه دارند. ریشه حسادت، خودخواهی و از غرایز و احساسات شخصی است؛ ولی غیرت یک حس اجتماعی و مربوط به نوع بشر است و فایده و هدفش متوجه دیگران است. غیرت نوعی پاسبانی است که آفرینش در وجود بشر نهاده است. غیرت یک شرافت انسانی و یک حساسیت انسانی است نسبت به پاکی و طهارت جامعه. انسان غیور، همان‌طور که راضی نمی‌شود دامن ناموس خودش آلوده گردد، راضی نمی‌شود دامن ناموس اجتماع هم آلوده شود، از این رو غیرت غیر از حسادت است. حسادت یک امر شخصی و فردی و ناشی از یک سلسله عقده‌های روحی است، اما غیرت یک احساس و عاطفه نوع بشری است. این خود دلیلی است که غیرت از خودپرستی ناشی نمی‌شود» (مطهری، ۱۳۸۴: ۴۱۴-۴۱۷).

با توجه به این مطلب، غیرت یک اراده و حالت روحی و اخلاقی است که در اجتماع نمود و بروز پیدا می‌کند. با این شاخصه و نشانی، می‌توان جامعه‌های بشری را به جامعه‌های باغیرت و بی‌غیرت تقسیم کرد. در جامعه‌ای که در برابر ناهنجاری‌های اخلاقی و حرکت‌های پست و غیرانسانی، ایستادگی و دفاع، کم‌رنگ باشد و مردم تماشاگر صحنه‌های فساد و فحشا و آلودگی‌های خانوادگی و جنسی و شهوانی باشند، حس غیرت مرده است و از مردانگی و جوانمردی خبری نیست. در برابر آن، کسانی که از این ناهنجاری‌ها رنج می‌برند و وجدان‌شان

آنان را در برابر این صحنه‌ها آرام و بی تفاوت نمی‌گذارد و از خود واکنش نشان می‌دهند، انسان‌های غیرتمند و شرافتمند به‌شمار می‌روند. ملا احمد نراقی در نوشته اخلاقی خویش به مقوله «غیرت» از زوایای گوناگون پرداخته است؛ ایشان درباره جایگاه غیرت و فرق آن با دیگر مقوله‌های اخلاقی مانند حسادت می‌نویسد: «حسد عبارت است از تمنای زوال نعمت از برادران مسلم خود در مورد نعمت‌هایی که صلاح او باشد؛ و اگر تمنای زوال نعمت از او نکند، بلکه مثل او را از برای خود خواهد آن را «غبطه و منافسه» خوانند؛ و اگر زوال چیزی را از کسی خواهد که صلاح او نباشد آن را غیرت گویند» (نراقی، ۱۳۸۷: ۳۴۴).

در ادامه، به‌منظور تبیین هرچه دقیق‌تر اهمیت و ضرورت مقوله غیرت، به نمونه‌هایی از غیرت‌ورزی خداوند سبحان، در مورد انبیای الهی و اولیای معصوم اشاره می‌شود:

الف: غیرت خدا

یکی از صفات خدای متعال که انسان باید خود را همانند او کند و صفات او را در خود به وجود آورد، غیرتمندی است. چنانچه پیش‌تر اشاره شد، حضرت امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ - فَلْيَغْرِ الْمُؤْمِنُ إِنَّهُ مَنْ لَا يَغَارُ فَإِنَّهُ مَنكُوسُ الْقَلْبِ» (طبرسی، ۱۳۸۵: ۲۳۶) «همانا خداوند نسبت به مؤمن، غیرت می‌ورزد پس مؤمن هم باید غیرتمند باشد». از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَ لِيَغْرِتَهُ حَرَمُ الْفَوَاحِشِ ظَاهِرَهَا وَ بَاطِنَهَا» «خداوند غیرتمند است و هر انسان غیرتمندی را هم دوست دارد و به‌دلیل غیرتمندی‌اش گناهان آشکار و پنهان را حرام کرده است» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۱۰۸)؛ توضیح اینکه: انسان در طول زندگی چه بسا گناهی را آرزو کند اما خداوند زمینه را برای او فراهم نمی‌کند و مؤمن نمی‌تواند آن‌ها را انجام دهد و حتی آنجا که شیطان زمینه را فراهم می‌کند خدا مانعی را به وجود می‌آورد. خدای متعال در مورد یوسف علیه السلام می‌فرماید:

«وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ

عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ» (یوسف، ۲۴) «و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد، و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد؛ چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم، چراکه او از بندگان مخلص ما بود».

ب: غیرت حضرت ابراهیم علیه السلام

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرموده است: «پدرم ابراهیم مرد غیرتمندی بود» (کلینی، ۱۴۱۰ق: ۵۳۶) و حضرت امام باقر فرمود: حضرت ابراهیم مرد غیوری بود، هرگاه از خانه‌اش بیرون می‌رفت در خانه را می‌بست (و در خانه را مثل مردم کم‌غیرت باز نمی‌گذاشت). روزی در را بست و از خانه بیرون رفت، هنگام مراجعت وقتی وارد خانه شد، مرد خوش‌سیمایی را در داخل خانه دید، غیرتش به جوش آمد و با احساسات گفت ای بنده خدا! چه کسی تو را وارد خانه‌ام نموده است؟ آن مرد گفت پروردگار خانه، مرا وارد خانه نمود؛ ابراهیم گفت: پروردگار خانه سزاوارتر از من به آن است، تو کیستی؟ آن مرد گفت من عزرائیل هستم و گفت آیا آمده‌ای تا قبض روحم کنی؟! عزرائیل جواب داد نه بلکه خداوند بنده‌ای را خلیل خود قرار داده، آمده‌ام تا اینکه این مزده را به او بدهم. ابراهیم فرمود آن بنده کیست تا نزدش روم و تا هنگام مرگم به خدمتگزاری او پردازم؛ عزرائیل گفت آن بنده تو هستی. ابراهیم نزد همسرش ساره رفت و ماجرا را به اطلاع او رسانید.

ج: غیرت حضرت موسی علیه السلام

از رسول خدا روایت شده است که: «موسی بسیار غیرتمند بود» (همان: ۲۳۸) و از این رو با دوستان همنشینی و رفت‌وآمد منزل به منزل نمی‌کرد تا مبادا چشم آن‌ها به همسرش بیفتد (همان).

د: غیرت پیامبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله

از رسول خدا نقل شده است که فرمودند: من از ابراهیم غیرتمندتر هستم. حکم بن ابی‌العاص پدر مروان و عموی عثمان بعد از فتح مکه، در ظاهر، مسلمان شده بود؛ یک روز در مدینه پیامبر در حجره یکی از همسرانش بود؛ حکم از شکاف در به داخل حجره نگاه کرد. پیامبر

چشم‌چرانی او را متوجه شد، حربه‌ای به دست گرفت و از حجره بیرون آمد و حکم را دنبال کرد تا دستگیرش کند و به مجازات رساند؛ حکم گریخت، پیامبر فرمود: اگر به او دست می‌یافتم چشمانش را بیرون می‌آوردم؛ کیست مرا به دستیابی بر این سوسمار ملعون کمک کند. سپس دستور داد او و فرزندش را به طایف تبعید کردند. آن‌ها در عصر خلافت ابوبکر و عمر نیز در تبعید بودند و در عصر خلافت عثمان با میانجی‌گری عثمان، به مدینه بازگشتند (ابن‌البر، ۱۴۱۲ق: ۳۵۹/۱).

هـ: غیرت حضرت امام حسین علیه‌السلام

اباعبدالله الحسین در روز عاشورا هنگام مبارزه، در کربلا یک تپه و نقطه‌ای را انتخاب کرده بود که نزدیک خیمه‌های حرم باشد؛ ایشان این کار را به دو منظور انجام دادند: یکی آنکه می‌دانستند دشمنان او، تا چه حد بی‌مروت و ناجوانمردند و این مقدار غیرت و رحم ندارند که لاقبل با خود بگویند که چون ما با حسین طرف هستیم، پس نباید به خیمه‌های حرمش متعرض شویم، لذا چون امام حسین ددمنشی دشمن را می‌شناخت، می‌خواست تا وقتی که جان در بدن دارد، کسی معترض خیمه‌های حرمش نشود، به همین جهت وقتی در مبارزه حمله می‌کرد و دشمنان از مقابل او فرار می‌کردند، زیاد دشمن را تعقیب نمی‌کرد و برمی‌گشت تا حرمت خیمه‌ها از تعرض دشمن، در امان باشد. منظور دیگر این بود که می‌خواست تا زنده است اهل بیت بدانند او هنوز زنده است، او یک تپه و بلندی و نقطه‌ای را مرکز قرار داده بود که صدایش از آنجا به خیمه‌هایش می‌رسید و وقتی برمی‌گشت و در آن نقطه می‌ایستاد با صدای بلند فریاد می‌زد «ولا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم» (سید بن طاووس، ۱۳۴۸ق: ۱۵۵).

۵- کارکردهای غیرت

مهمترین آثار و کارکردهای غیرت را میتوان در موارد زیر دسته‌بندی نمود:

۵-۱- کارکردهای خانوادگی غیرت

الف: غیرت نسبت به نوامیس (فرزندان و خویشان و همکیشان)

انسان باید مراقب همسر، دختر، خواهر و هم‌کیشان خود باشد و آنان را از انحراف بازدارد و نگذارد در موارد غیر ضروری با نامحرم در تماس باشند. اختلاط و روابط ناسالم، عاملی در گسترش فساد و انحراف است و پرهیز از آن همواره مورد توجه رهبران دینی بوده است. اسلام، حضور اجتماعی زنان را بدون قید و شرط، مجاز نمی‌داند. یکی از شرایط مهم و اساسی در فعالیت و مشارکت اجتماعی زنان، رعایت مرزبندی و حفظ حریم است. در قرآن مجید، درباره پرهیز از اختلاط زنان و مردان چنین آمده است: «... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ...» (احزاب، ۵۳) «... و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید، از پشت پرده از آنان بخواهید...». هرچند شأن نزول این آیه، ویژه زنان رسول‌الله است اما «مورد نزول» نمی‌تواند شمول مفهومی آیه را محدود کند؛ بنابراین، آیه یادشده به منظور منع اختلاط زن و مرد و حفظ زن‌ها از محرکات شهوانی وارد شده است. شهید مطهری می‌گوید: «طبق این دستور، مردان نباید وارد جایگاه زنان شوند و هراندازه که رعایت حریم کنند به تقوا و پاکی، نزدیک‌تر خواهد بود» (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۵۴).

امام صادق درباره رعایت این مرزبندی فرموده‌اند: «فِيمَا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنَ الْبَيْعَةِ عَلَى النِّسَاءِ أَنْ لَا يَحْتَبِينَ وَلَا يَقْعُدْنَ مَعَ الرِّجَالِ فِي الْخَلَاءِ» (از جمله بیعت‌هایی که رسول خدا از زنان گرفت این بود که در خلوت با مردان معاشرت و نشست و برخاست نکنند) (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۷۴).

غیرت مرد مسلمان، امری ستودنی است؛ چنانکه امیرالمؤمنین آن را از نشانه‌های ایمان شمرده‌اند: «غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيْمَانٌ» یعنی: «غیرت مرد و حراست او از ناموسش، ایمان است» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۲: ۳۷۷)؛ اما تعادل در غیرت، بسیار مهم و حیاتی است. در اسلام، غیرت بی‌جا ممنوع است؛ چنانکه حضرت امیر در وصیت خود به امام حسن می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالتَّغَايِرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَالْبَرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ» (از غیرت و بدگمانی در جایی که نباید غیرت به کار برد، اجتناب کن؛ زیرا این کار، زن پاک را به ناپاکی و زن بی‌گناه را به اندیشه گناه فرا می‌خواند) (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

هر چند غیرت، صفتی بسیار پسندیده است اما غیرتمند باید از بدگمانی و وسوسه‌های نابه‌جا پرهیز کند؛ زیرا چنین رفتارهایی، کانون گرم خانواده را سرد و بی‌روح می‌کند و خود فرد را نیز مبتلا به بیماری می‌سازد.

از سوی دیگر، بی‌تفاوتی مردان نسبت به نوامیس نیز، به شدت نکوهش شده است؛ چنانکه پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

«وَالْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتَعَطِّرَةً وَ الزَّوْجُ بِدَاكٍ رَاضٍ بِنَبِيِّ لَزَوْجِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ بَيْتٍ فِي النَّارِ» «هر زنی که خود را بیاراید و خوشبو کند و از منزل خارج شود و شوهرش به این امر راضی باشد، خداوند در قبال هر قدمی که برمیدارد، برای شوهرش خانهای در دوزخ بنا خواهد کرد» (مجلسی، ۱۳۸۹: ۱۰۰/۲۴۹).

انسان مؤمن، نابهنجاری‌های اجتماعی را به همان‌گونه که بر زن و ناموس خود برنمی‌تابد، درباره‌ی سایر زنان مسلمان نیز تحمل نمی‌کند (غیرت اجتماعی). مردان موظف‌اند در برابر حرمت‌شکنی‌ها ایستادگی کنند. امام صادق علیه السلام در تعبیری ظریف، به نتیجه‌ی چنین رویکردی اشاره می‌فرماید: «بُرِّوْا آبَاءَكُمْ بِبِرِّكُمْ أَبْنَاءَكُمْ وَعَفَّوْا عَنِ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفَّنَ نِسَاؤُكُمْ» «نیکی کنید به پدران تا پسران به شما نیکی کنند و چشم‌پوشی کنید از زنان مردم، تا مردم از زنان شما چشم‌پوشند» (مفید، ۱۳۸۳: ۲۸۸).

در سایه‌ی غیرت اجتماعی، ضمانت‌های اجرایی برای فعالیت زنان فراهم می‌آید و جامعه از امنیت و سلامت معنوی بهره‌مند می‌شود. انسان غیور، در مورد تربیت فرزندان، احساس مسئولیت می‌کند و به همین دلیل از ابتداء، زنی را برمی‌گزیند که مؤمن و پاکدامن باشد تا وظیفه‌ی هدایت فرزندان را به بهترین شکل انجام دهد. در واقع شیر مادر و رفتار و کردار او در تکوین شخصیت فرزندان بسیار مؤثر است که در جای خود نیز، به اثبات رسیده است.

ب: وظیفه‌ی مسلمانان در پاسداری از زنان و دختران

دشمنان اسلام می‌کوشند تا زنان و دختران را از حریم عفاف و جاده‌ی سلامت به درآورند و مورد سوءاستفاده قرار دهند. در مقابل، مسلمانان نیز وظایفی دارند و نباید در برابر این توطئه،

بی توجهی و سکوت کنند. قرآن مجید به مؤمنان می آموزد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم، ۶) «ای کسانی که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌تان را از آتش دوزخی که مردم و سنگ‌ها، هیزم و آتش آن هستند، حفظ کنید که مأموران آتش، فرشتگانی بسیار سخت‌دل‌اند که هرگز نافرمانی خدا نمی‌کنند و آنچه به آن‌ها گفته می‌شود، فوراً انجام می‌دهند».

همچنین در آیه شریفه دیگری آمده است که در روز قیامت وقتی انسان‌های ظالم را به طرف جهنم می‌برند، آنها باحالت ترس و ذلت با گوشه چشم بر آتش دوزخ می‌نگرند و در آن حال، مؤمنان خطاب به ظالمان گفته می‌شود: «...إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...» (شوری، ۴۵) «...آری زیانکاران کسانی هستند که خود و خانواده‌شان در امروز که قیامت است ضرر کرده اند...».

ج: غیرت دینی یکی از ریشه‌های قیام عاشورا

امام حسین و یاران غیرتمندش بر اساس غیرت دینی و دفاع از ارزش‌ها قیام کردند. حضرت در سخنان حماسه‌ای روز عاشورا خطاب به دشمنان که عزت و غیرت را زیر پا گذاشتند فرمود:

«أَلَا وَ إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ: بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَّةِ؛ وَهَيْهَاتَ مَنَا الذَّلَّةَ يَا أبايَ اللَّهِ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ، وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ، وَأَنْوْفٌ حَمِيهٌ وَنُفُوسٌ أَبِيهٌ مِنْ أَنْ نُؤْتِرَ طَاعَهُ اللَّئَامَ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ» «آگاه باشید که آن بی‌نسب پسر بی‌نسب، مرا میان دو چیز مخیر کرده است: بین شمشیر (جنگیدن) و خواری. خواری از ما خانواده اهل بیت، دور است و خدا آن را برای ما نمی‌پذیرد، و نیز پیامبرش و مؤمنان و دامن‌های پاک و پاکیزه انسان‌های غیرتمند و نفس‌های خویشان‌دار بر ما روا نمی‌دارند که اطاعت از فرومایگان را بر مرگ کریمانه مقدم بداریم».

آن حضرت در این جملات اولاً اشاره می‌کند که خدا و رسولش و مؤمنان از او توقع دارند که زیر بار بی‌غیرت‌ها نرود؛ ثانیاً به اصالت خانوادگی خویش اشاره می‌کند که مقتضای آن،

داشتن غیرت دینی و دفاع از حریم ارزش‌هاست؛ ثالثاً با نشان دادن غیرت دینی و حفظ اصالت خانوادگی، در واقع بالاترین تکریم را به خانواده خویش و شخص مادرش فاطمه زهرا رواداشت. رابعاً به دیگران نیز درس غیرت دینی و تکریم خانواده و محافظت از اصالت آنان را آموزش داد.

به خاطر همین غیرت دینی بود که در جواب مروان فرمود: «مِثْلِي لَا يُبَايِعُ بِمِثْلِهِ» یعنی: شخص غیرتمند و تربیت‌شده در دامن زهرا، همانند من، هرگز با فرد بی غیرت و فاسقی چون یزید بیعت نمی‌کند (سیدبن طاووس، ۱۳۴۸ق: ۱۵۵).

در این جمله نیز راز بیعت نکردن خویش با یزید را غیرت دینی و اصالت خانوادگی و محافظت از حریم این اصالت معرفی می‌کند.

د: یاری طلبیدن برای دفاع از حریم خانواده (اجتماع کوچک)

امام حسین تا آنجا که توان داشت، خود از حریم خانواده خویش دفاع کرد و در حال ناتوانی از دیگران درخواست کمک نمود تا ندای او در تاریخ بماند که برای حفظ پاسداری از حریم خانواده خویش، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده است (ابن اعثم کوفی، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

هـ: استفاده از روح غیرت برای دفاع از حریم آل‌الله

در لحظه‌های غروب عاشورا که پیکر خونین امام حسین در میان گودال قتلگاه بی‌رمق افتاده و خورشید امامت در خون نشسته بود، آل درنده‌خوی ابوسفیان، به سوی خیمه‌های امام یورش آوردند. ناگاه صدای گریه کودکان و ناله زنان به گوش امام رسید. غیرت الله به جوش آمد و به زحمت روی زانو برخاست و خطاب به آنان فرمود: «وَيَلَكُمْ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ إِن لَّمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أحرارًا فِي دُنْيَاكُمْ وَ ارْجِعُوا إِلَيَّ أَحْسَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ عَرَبًا كَمَا تَزْعُمُونَ» «وای بر شما ای پیروان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از قیامت نمی‌ترسید، لااقل آزادمرد باشید و چنان‌که گمان می‌کنید از قوم عرب هستید (اعراب دارای غیرت بودند)، به گذشته خود رجوع کنید. شمر جلو آمد و گفت: ای پسر فاطمه چه می‌گویی؟»؛ امام فرمود: «أَنَا الَّذِي أَقَاتِلُكُمْ وَ تَقَاتِلُونِي وَ النَّسَاءُ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ فَاْمْنَعُوا

عُنَاتُكُمْ عَنِ التَّعَرُّضِ لِحَرَمِي مَادُمْتُ حَيًّا» (خوارزمی، ۱۳۶۷: ۳۲) «این منم که با شما می‌جنگم و شما هم با من مبارزه می‌کنید. زنان را گناهی نیست، پس متجاوزان و ستمگران و جاهلان، خود را مادام که زنده‌ام از خیمه‌گاه من بازدارید».

استاد مطهری در این زمینه می‌گوید: «گفتند حسین مردی است غیور، غیرت‌الله است که محال است جان در بدنش باشد و بتواند تحمل کند که در حیات او به خیمه‌های حرمش تعرض شود. آزمایش زنده‌بودن یا زنده‌نبودن حسین این بود که ناگاه لشکر به خیمه‌های حرم اباعبدالله هجوم آوردند. حضرت احساس کرد که بنای هجوم دارند. با زحمت روی زانوهایش به پا ایستاد. ظاهراً با تکیه دادن به شمشیر خود، فریاد مردانه‌اش در آن وادی بلند شد. ای خودفروختگان به آل ابی‌سفیان! شما با من می‌جنگید و من با شما. زن‌ها و بچه‌ها چه تقصیری دارند؟» (مطهری، ۱۳۸۴: ۴۰۸)

۵-۲- کارکردهای فرهنگی - اجتماعی غیرت

غیرت، به‌منزله سیستم دفاعی بدن برای دین است که هرگاه به عللی از بین برود، دین و دیانت با تمام ارزش‌هایش آسیب جدی می‌بیند؛ زیرا بی‌غیرتی و بی‌تفاوتی در برابر بدعت‌گذاران و کسانی که درصدد مخدوش ساختن فرهنگ دینی هستند، زمینه جرات و جسارت به گناه را بیشتر می‌کند و موجب زدودن ارزش‌ها از سطح جامعه می‌شود. امام صادق علیه السلام از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت خطاب به مردم فرمودند: «چه خواهید کرد زمانی که زنان فاسد و جوانان فاسق گردند و شما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کرده باشید؟ سؤال شد: یا رسول‌الله! آیا چنین چیزی خواهد شد؟ آن حضرت فرمود: آری، بلکه بدتر نیز خواهد شد. سپس فرمود: چه خواهید کرد آنگاه که امر به منکر و نهی از معروف کنید؟ سؤال شد: آیا چنین چیزی خواهد شد؟ ایشان فرمود: بله، بدتر از آن‌هم خواهد شد؛ و سپس پرسید: «چه خواهید کرد آنگاه که معروف را منکر و منکر را معروف بدانید؟» (مجلسی، ۱۳۸۹: ۷۴/۱۰۰).

از این رو کارکردهای فرهنگی - اجتماعی غیرت را می‌توان چنین بیان نمود:

الف: کارکرد غیرت زنان در آموزه‌های دینی

درباره غیرت زنان باید گفت، غیرت زن دو نوع است که نوعی از آن مثبت و ممدوح، و نوعی از آن منفی و مذموم است. غیرت مثبت و پسندیده، حساسیت در برابر گناه است حضرت امیر علیه السلام درباره کسی که قصد ازدواج دارد می‌فرماید که دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز بگوید: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً صَالِحَةً وَدُودًا وَلُودًا شَكُورًا قَنُوعًا غَيْرًا...» (همان: ۲۶۸). در روایات دیگری نیز همسران از ذکر محسنات و زیبایی‌های زنان دیگر برای شوهر خود به شدت نهی شده‌اند. در این مورد نیز زنان باید غیرت نشان داده و از توجه و تخیل شوهر نسبت به زنان دیگر مخصوصاً هنگام هم‌بستری مانع شوند و محاسن زنان دیگر را ذکر نکنند. در ذیل آیه «... وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ...» (اسراء، ۶۴) «... که شیطان شریک اولاد و فرزندان شود» مفسران گفته‌اند شریک شدن شیطان در اولاد، به این است که هنگام انعقاد نطفه، مرد به فکر زن دیگری باشد.

به‌هر حال این نوع غیرت درباره زنان، پسندیده است اما غیرتی که برای زنان منفی است و نباید داشته باشند، غیرت برای ازدواج مجدد شوهر است و روایات، این مورد را حسادت شمرده‌اند؛ در اشاره به این نوع غیرت در حکمت ۱۲۴ نهج‌البلاغه آمده است: «غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كُفْرٌ وَ غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيْمَانٌ».

مراد از کفر در این حدیث، معصیت و گناه یعنی کفر عملی است نه کفر اعتقادی و منظور از آن، حساسیتی است که زن در برابر همسر دوم از خود نشان می‌دهد و در واقع نوعی حسادت زنانه و حساسیت بی‌مورد و نابه‌جاست؛ اما غیرت مرد به‌معنای نهی از منکر و جلوگیری از آلوده شدن همسرش به فحشا و آلوده‌دامنی است که امری مطلوب و برخاسته از ایمان و تعهد مرد است. امام باقر علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «إِنَّ النِّسَاءَ إِذَا عَرْنَ غَضِبْنَ وَ إِذَا عَصِبْنَ كَفَرْنَ إِلَّا الْمُسْلِمَاتُ مِنْهُنَّ» (حر عاملی، ۱۴۱۴:ق: ۱۵۶).

ب: حیا

«حیا» یکی از مهم‌ترین صفات نفسانی است که تأثیر فراوانی بر حوزه‌های مختلف زندگی

اخلاقی ما دارد. نقش بارز این تأثیر، بازدارندگی است. «حیا» در لغت به مفهوم شرمساری و خجالت است که در مقابل آن «وقاحت و بی‌شرمی» قرار دارد. در فرهنگ عالمان اخلاق، حیا نوعی انفعال و انقباض نفسانی است که موجب خودداری از انجام امور ناپسند در انسان می‌گردد و منشأ آن ترس از سرزنش دیگران است. مطالعه درباره مفهوم «حیا» در آیات و روایات نشان می‌دهد که منشأ پیدایش این حالت، درک حضور در محضر ناظری آگاه، محترم و گران‌مایه است. حیا دارای سه رکن اصلی است: «فاعل»، «ناظر» و «فعل». «فاعل»، در حیا شخصی برخوردار از کرامت و بزرگواری نفسانی است. «ناظر» در حیا، شخصی است که مقام و منزلت او در چشم فاعل، عظیم و بایسته احترام باشد و فعلی که رکن سوم برای تحقق حیا است، فعل ناپسند و زشت است. در نتیجه در مورد تفاوت میان «حیا» با «خوف» می‌توان گفت که محور بازدارندگی در حیا، ادراک حضور ناظر و حفظ حرمت و حریم اوست؛ حال آنکه محور بازدارندگی در خوف، درک قدرت خداوند و ترس از مجازات اوست.

شایان ذکر است که اگرچه چهره بارز و جوهره حیا، بازدارندگی از ارتکاب اعمال زشت است، این بازدارندگی قهراً، انجام اعمال نیک را به دنبال خواهد داشت.

۵-۳- کارکردهای اقتصادی غیرت

افزون بر حضور مؤثر غیرت در حوزه اجتماع، در حوزه اقتصاد و معیشت نیز می‌توان از کارکردهای غیرت بهره جست. انسان مسلمان، باید مالش را از راه حلال کسب کند و در حفظ و حراست آن نیز کوشا باشد و از اسراف و تبذیر و خست و بخل پرهیزد و حقوقی را که خداوند بر مال واجب گردانیده، ادا کند و در یک کلمه، با مال خود آخرت خویش را آباد گرداند. بنا به آموزه‌های دینی، مالی که از راه حرام به دست آید، و بال گردن صاحب خویش خواهد شد و زیان آن در دنیا و آخرت به او می‌رسد. در آیین حضرت محمد ﷺ در مورد همه فضایل نفسانی و تمام جزئیات امور زندگی، سخن به میان آمده است حتی «غیرت برای مال»؛ اما مقصود از آن چیست؟ درست است که اسلام با ثروت‌اندوزی مخالف است لیکن در متن دین آمده است که آدمی مادامی که در دنیا زندگی می‌کند، به مال محتاج است

به طوریکه درجایی تحصیل آخرت را منوط به آن می‌داند چراکه معرفت و اطاعت خداوند منوط به بقای بدن است و انسان تا زمانی که زنده است نیازمند غذا و پوشاک است و برای رفع این حوائج، نیازمند کسب مال حلال است. اما کسب مال حلال مشروط به غیرت داشتن در برابر آن است، به این معنا که انسان پس از کسب مال حلال، سعی در محافظت آن کند و پس از سعی و تلاش در جهت جمع‌آوری آن، انضباط و غیرت اجتماعی نیز داشته باشد. از جمله آنکه مال حلال خود را:

- بیهوده خرج نکند.

- به مصرفی که فایده‌آخروی ندارد، نرساند.

- به غیرمستحق ندهد.

- برای فخرفروشی و ریا خرج نکند.

- برای خودنمایی خرج نکند.

- از دسترس دزدان و اهل خیانت، محافظت کند و شرایط دزدی را برای ایشان هموار نکند.
- تا خود زنده است، اموال خود را به مصرفی رساند که فایده‌اش عاید خودش شود و مال را حین زنده‌بودن برای وارث نگذارد مگر فرزندی که خلف باشد و وجود او مانند وجود خود اوست.

۶- آفات ترک غیرت

نداشتن غیرت در سطوح فردی و اجتماعی، آثار زیان‌باری به دنبال خواهد داشت که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

الف: مورد غضب خدا قرار گرفتن

از پیامبر خاتم روایت شده است: «إِنَّ اللَّهَ لَيُبْعِضُ مَنْ يُدْخَلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ فَلَا يُقَاتِلُ» «همانا مبعوض خداوند است آن کسی را که بیگانه‌ای [با زور] وارد خانه‌اش شود و او با آن بیگانه نجنگد» (نوری، ۱۳۹۴: ۹۹).

دچار خشم خداوند شدن، آثار نامطلوب اخروی و دنیوی دارد و می‌تواند انسان را دچار

سوء عاقبت کند و او را برای همیشه از سعادت محروم سازد.

ب: مورد لعن اولیای الهی بودن

روایت شده است، پیامبر اسلام مردانی را که به عفت و پاک‌ی دختران و همسرانشان بی‌تفاوت‌اند، «دیوث» نامیده و آن را لعن کرده و قتل آنان را روا داشته است:

«لَعَنَ النَّبِيُّ الْمُتَغَابِلُ عَنْ زَوْجَتِهِ وَهُوَ الدِّيُوثُ وَقَالَ أَقْتُلُوا الدِّيُوثَ» (مجلسی، ۱۳۸۹: ۱۱۶/۷۴).
در حدیث دیگری، بعد از سوگند به خدای متعال، خاطر نشان شده است که: چند نفر، از جمله «دیوث»، به علت نداشتن غیرت وارد بهشت نمی‌شوند: «...و لا دیوث و هو الذی لا یغار...» (همان).

با نگاهی به روایات مربوط به بی‌غیرتی، درمی‌یابیم که این صفت رذیله، چنان مورد خشم و انزجار پیشوایان معصوم علیهم‌السلام بوده است که برخی از آن بزرگواران، فرمان جنگ و ستیز با بی‌غیرتان را صادر کرده‌اند. این سخن قاطعانه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یکی از همین روایات نورانی است: «جَدَعَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ» (خدای متعال، بینی کسی را که (به حریم خویش) غیرت نوزد، قطع می‌کند) و نیز فرمود: «...وَأَرْعَمَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ» (و خداوند بینی بی‌غیرت را به خاک میمالد) (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۲۳۷).

راز این غضب مقدس و رفتار قاطعانه، آن است که وقتی کسی دچار بی‌غیرتی شد، دارای صفات منفی و نابخشودنی دیگری نیز می‌شود و بهترین راه اصلاح چنین فردی، ستیز با اوست؛ و چنین کسی با در پیش گرفتن بی‌غیرتی، موجبات خشم خدای متعال را فراهم می‌کند.

ج: سقوط در آتش جهنم

طبق فرموده رسول خدا نه تنها افراد بی‌غیرت به بهشت نمی‌روند، بلکه حتی بوی آن به مشامشان نمی‌رسد: «إِنَّ الْجَنَّةَ لَتُوجَدُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِ مِائَةِ عَامٍ وَلَا يَجِدُهَا عَاقٌّ وَلَا دِيُوثٌ» (همانا بوی خوش بهشت، از فاصله پانصد سال به مشام میرسد، ولی به مشام عاق والدین و دیوث نمی‌رسد) (صدوق، ۱۴۰۴ق: ۴۴۴).

۷- بحث و نتیجه گیری

یکی از حالات والای نفس انسانی، دفاع از حریم ارزش‌ها و جلوگیری از هرگونه تعرض نسبت به آن است. از این حالت نفس که فضیلتی اخلاقی نیز شمرده می‌شود، به‌عنوان «غیرت» یاد شده است. هر انسانی، فطرتاً اهل غیرت است مگر آنکه از حالت فطری و طبیعی خود بیرون رفته باشد. غیرت در مردان، نماد مردانگی و آزادگی است و تقویت آن به‌ویژه در حوزه مسائل خانوادگی و ناموسی، امری بایسته و شایسته است و تضعیف آن موجب می‌شود که مرد به‌عنوان ستون خانواده مطرح نباشد؛ زیرا بی‌غیرتی مرد، توان دفاع از حریم خانه و خانواده و ارزش‌ها را از او می‌گیرد. از این‌رو در آموزه‌های اسلامی بر نقش غیرت تأکید ویژه‌ای شده است.

غیرتمند همان‌گونه که نسبت به حریم‌های عمومی و ارزش‌های دینی و اسلامی حساس است و به جنگ دشمنان اسلام و میهن می‌رود، در امر دفاع از حریم خصوصی و جان و مال و آبروی خویش نیز کوشا است و به دفاع از حریم خانه و خانواده می‌پردازد. بی‌غیرتی و بی‌تفاوتی، نیز در واقع نوعی بیماری روحی و روانی است که مانند دیگر امراض، قابل درمان است. شکوفاسازی غیرت فطری، بهترین نسخه درمان این بیماری است. افراد بی‌غیرت با آگاهی و کسب معرفت در این زمینه و تمرین و عمل، می‌توانند به شکوفاسازی غیرت از دست رفته خویش بپردازند.

غیرت در آموزه‌های دینی، دارای ابعاد و کارکردهای مختلف خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، مالی، ملی و... است که غیرتمندی در هر کدام از آن زمینه‌ها، به گونه‌ای جلوه می‌یابد و حفظ اعتدال در غیرت‌ورزی، راز ممدوحیت آن است. در واقع یکی از شاخصه‌های انسان و جامعه سالم، داشتن غیرت است و با در پیش گرفتن اعتدال در ابراز آن، می‌توان افراد و در نتیجه جامعه سالمی را به وجود آورد و مسلماً در صورت از بین رفتن غیرت در بین مردم، جامعه رو به بیماری و فنا و نابودی خواهد رفت.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی.
- آملی، عبدالحسین (۱۴۱۰ ق). المفید فی ذکری السبط الشہید، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۳۹۱). الفتح، تهران: نور محبت.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۴۲۱ ق). مناقب آل ابی طالب. جلد ۴. قم: ذوی القربی.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله). تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم.
- ابن عبدالبر (۱۴۱۲ ق). الاستیعاب فی معرفه الاصحاب. بیروت.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۹۲ ق). غررالحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا). آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم السلام (ترجمه و سائل الشیعه). ترجمه محمدعلی فارابی و یعسوب عباسی علی کمر. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- خوارزمی (۱۳۶۷). مقتل الحسین. جلد ۱. نجف: الزهراء.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰). لغتنامه فارسی. تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا.
- سید بن طاووس (۱۳۴۸). اللہوف. تهران: نشر جهان.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۲). اندیشیدن به جای حفظ کردن. مجله رشد تکنولوژی آموزش، شماره ۱۵۷.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه (۱۴۰۴ ق). من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۵ ق). مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار. نجف: حیدریه.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۸۵). المنتخب للطریحی فی جمع المراتی والخطب المشتهر.



قم: مکتبه الحیدریه.

- کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۰ق). اصول کافی. ترجمه سید جواد مصطفوی. قم:

بینا.

- متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام (۱۳۸۸). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال،

- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۸۹). بحار الانوار، ترجمه محمدحسن ارومیه‌ای. قم:

بینا.

- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). مجموعه آثار، جلد ۲۲، تهران: صدرا، چاپ پنجم.

- مفید، محمد بن محمد (۱۳۸۳). الامالی. قم: جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه قم، مؤسسه

النشر الاسلامی.

- نراقی، ملا احمد (۱۳۸۷). عوائد الایام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی قم.

- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۹۴). جامع نوادر المسائل من مستدرک الوسائل. مشهد:

بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

